

طرح بهسازی محلات فرسوده تهران

(بازار - عودلاجان)

به منظور مطالعه دقیق نسبت به تعیین عوامل موجود و تعیین کننده و همچنین ارائه راه حل در جهت بهبود روابط شهری کمیته هماهنگی برنامه ریزی و طراحی بافت قدیم تهران در تاریخ ۵۸/۷/۱ با همکاری مشترک کارشناسان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سپرداری تهران جهت بهسازی و احیای محلات قدیم تهران در زمینه های مختلف اجتماعی ، اقتصادی و فیزیکی تشکیل گردید .

با مطالعه در تعیین اولویت ها و در راه بین به این مهم مرحله اول کار در محله عودلاجان بصورت یک برنامه کوتاه مدت جهت جلوگیری از تخریب بناها و اساسات شهری انجام شد که در حال حاضر طرحها جهت اجرا به ارگانهای اجرائی ارائه گردیده است . جهت آشنائی با فعالیت های این کمیته در برنامه های بلند مدت ، دو طرح تجدید نظر طرح تفصیلی بازار تهران : ساماندهی بازار ۱ و طرح بهسازی و نو سازی قسمتی از محله عودلاجان که نتیجه فعالیت چند ماهه گروه است بصورت مختصر در این گزارش ارائه میشود .

کمیته هماهنگی ، برنامه ریزی و طراحی بافت قدیم تهران

مدیران طرح :	یافتن اله زاده سراری	سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ()
مسئول و هماهنگ کننده	فرنگس رحیمه	دفتر خاندان شورای عطار (سرگسترش سپهر تهران)
سرپرست طرح محله عودلاجان	محمد میریار	
سرپرستان طرح ساماندهی بازار	مصطفی ربویی - ناصر ران رضعی	
همکاران		
مرتضی ابوالفتحی	مهندس معمار	مسئول شناسائی کالبدی بازار
محمد اسماعیلی مهاجر ارمطو	دانشجوی معماری	
سین اسرفیان	برنامه ریز شهری	مسئول آمار تجهیزات شهری
آزاده اشرفیان	دانشجوی علوم اجتماعی	
کامران امین	دانشجوی راه و ساختمان	

	فوق دیپلم راه و ساختمان	رضا محمدی بهمن آبادی
	دانشجوی معماری	محمود تهمورس
	دانشجوی معماری	امیرجلالی فراہاسی
	دانشجوی معماری	ہاتف خیرخواہ
	دیپلمہ	عادلہ رحیمہ
	مهندس معمار	حسن رضائی گلزاری
مسئول تحقیقات اقتصادی و اجتماعی بازار	برنامہ ریز اقتصادی	مریم رفیو
	دانشجوی معماری	مجید راد رفیعی
	دانشجوی معماری	حسین زنجاسی
	دانشجوی معماری	سہراب سروشیان
	دانشجوی معماری	حمید صارم زادہ
	دانشجوی معماری	ویدا فرخ نژاد
	مهندس منسار	صدیغہ گلشن
مسئول طرح نظامت شهری و روشنائی معابر	مهندس شہر ساز	پروانہ کوثری
	دانشجوی معماری	سیروس محمد حسینی
	دانشجوی معماری	احمد مستوفیان
	دانشجوی معماری	باہک امیر نادری
	دانشجوی جامعہ شناسی	سیمین نوروزی
مسئول شناسائی کالبدی محلہ عود دلاجان	مهندس معمار	ایرج نیامیر
	فوق دیپلم راه و ساختمان	علی محمد وحدانی
مسئول شناسائی کالبدی منطقہ بازار	مهندس معمار	امان الہ یغمائی

• طرح جایگزینی عناصر شهری
نیازهای امروز دریافت شهرهای قدیم ایران
بازگویی ارزشها و نموده‌های معماری و شهرسازی بومی ایران
ی‌تازه و ناشناخته نیست و چه بسا اگر نیروئی که به تمحید
وسخن پردازیهای مکرر از این غنا بکاررفته به ساخت کارپردهاوسمی
در برداشت از مفاهیم آن مصروف میشد امروزه به چنین رکودی
در فرهنگ معماری و شهرسازی دچار نبودیم .

دوست داشتن ، عشق ورزیدن ، شاید احساس و شوق لازم
را در رویا روئی و بی‌گیری علمی مسائل فراهم آورد ولی بطور
قطع خود جوابگوی نیازی مگرارضای شخصی نخواهد بود . نکته
قابل تعمق در بیان این احساس تکرار این مطلب است که در
حفظ آثار گذشته معماری و شهرسازیمان بکوشیم ، ولی در اینجا
این سؤال مطرح میشود که چنین بیانی با کدامین برداشت از
معماری و شهرسازی عنوان میشود ؟

آیا انگیزه حفظ کالبد صرفاً "عنوان نمائی از ارزشهای گذشته
ما مطرح است و یا بلحاظ شکل گیری منطقی اش در ارائه کاربرد و
برداشت از مفاهیم معماری و شهرسازیت که مورد توجه قرار میگردد .

متأسفانه تاثیر نگرش اول در میان کارشناسان معمار و شهرساز
ما را به مرحله ای رسانده است که تنها رسالت بافت قدیم
شهرهایمان را در کالبد های فرسوده و رنگهای کهنه و پریده
دیواره ها و درها جستجو میکنیم ، غافل از اینکه آنچه چنین
فضاهائی را بوجود میآورد نه آن مصالح ، نه آن فرم ، نه آن
رنگ بلکه نظامیست در برداشت از مفاهیم زندگی انسان و جامعه
در فرهنگ معماری و شهرسازی ایران .

به دیگر سخن آیا حفظ کالبد یک محله یا یک شهر قدیم
در تداوم و تکامل فرهنگمان میتواند خلاقیتی بهمراه داشته باشد؟
سخن این نیست که کهنه ها را بدور بریزیم ، بطور قطع
سخن این نیست ، سخن از ناتوانیهاست ، سخن از ناتوانی در
بهره‌گیری از ارزشهاست .

بی‌آمد این دو نگرش را میتوان در یک حمله خلاصه نمود .
ارج نهادن به فرم (قالب بدون محتوی) و با مقصود و
انگیزه ایجاد فرم (مفاهیم و محتوی)

ایده حفاظت موزه‌ای میراث فرهنگی و کوشش در جهت
طرح ریزی مناطقی خارج از حریم شهرهای قدیم دقیقاً "در جهت
رکود و انهدام فضاهائی است که ماداد سخن از عنای آن می‌زنیم
و صد افسوس که این محله‌ها روز بروز در خود می‌میرد و معابد گاه
عاشقان کالبد معماری ایران میگردد .

ذکر این مطلب ضروری است که نیستی و نابودی در مفاهیم
شهری تنها لطمه های کالبدی نیست ، چنانکه لطمه عوامل غیر
کالبدی چه بسا سنگین تر و غیر قابل جبران تر است .

لذا تنها توجه جهت حفظ کالبد یک بنا ، یک مجموعه
یک محله نمیتواند در حیات و زندگی بافت قدیم شهرهایمان
نتیجه مثبتی را دارا باشد چه چنین کالبدی بدون انگیزه و مفاهیم
شکل گیری آن بی ارزش و فانی است . " البته چه بسیارند
بناهائی که در مجموعه بافت شهری از ارزشی چشمگیر برخوردارند
چرا که کالبد آنها معرف و پیام آور ارزشهای اخلاقی ، اعتقادی
و بعنوان یک نمود فرهنگی در بطن جامعه جای دارد و از این
قبیل میتوان مساجد ، امامزاده ها ، مناره‌ها ، مدارس ، بازارها
..... را نام برد که در این مقوله مستثنی هستند " .

بنابراین با این اعتقاد که مرمت شهری در واقع درمان
ناپسا مانیهایی موجود بافت های سنتی در جوابگویی به نیازهای
امروزی است . لازمه حیات یک محله را در برآورد نیازهای زیستی
آن می‌شناسیم چه زندگی و شخصیت یک محله نمودی است از نحوه
زندگی ساکنین آن .

باید توجه داشت که هرگونه برنامه‌ای در جهت بهسازی و
سالم سازی بافت های شهری می‌باید با شناخت کامل خصوصیات
وضع موجود منطقه و با توجه به نیازهای کنونی و آتی باشد ، ضمن
آنکه یادیدگاهی واقعی طرح و اجرا گردد آنچنانکه رابطه منطقی

مقصود، فرم و نتیجه در یک مسیر مطلوب و واقعی برقرار گردد.

● چهره کنونی محله‌های قدیمی در شهرهای ایران:

لغزش یا جانبا شدن مرکزیت شهر نسبت به هسته اولیه آن در روند توسعه شهرهای ایران و ناآثیر پدیده‌های تولید صنعتی بر روی شهرهای بازرگانی، ضمن روپا روئی با ساخت قدیمی شهر که محلت خصوصیات فنی قابلیت جوابگوئی به نیازهای جدید را دارا نیست، پدیده‌های دیگری را نیز پدید می‌آورد، آنچنانکه بخش جدید شهر با حادثه‌ها و نقاط عطف اجتماعی و تجاری جدید باعث تهی شدن محله‌ها از پدیده‌های اجتماعی و باعث ادامه زندگی می‌شوند، و این خلاء با گذشت زمان موجب متروکه شدن و اسه‌دام آن میگردد، و بخش قدیمی شهرهای توسعه یافته بتدریج دارای شرایط کالبدی و کار بردی نامانوس با ساخت اولیه خود میشوند و چون از سوی شهرداریها و سازمان‌های مربوطه نیز بنحوشایسته مورد حمایت قرار نمیگیرند "عدم تامین تاسیسات و تجهیزات شهری" آماده خواهند بود تا بعنوان شهرسازی تعویضی درباره شان تصمیم‌گیری شود.

لذا در راه نیل به احیای همه جانبه حیات محله و تداوم ارزشهای نهفته در آن می‌باید به دو نوع عامل تعیین کننده و پدیده‌های مربوط بآن توجه داشته باشند.

از یک سو عواملی که میتوانند موجب حفاظت و بقای ارزشهای فرهنگی (۱) باشند و از سوی دیگر عواملی که در شرایط موجود هر شهر موجب انهدام بافت‌های سنتی میشوند که در این معوله سه زمینه زیر مورد بررسی است.

- ۱- فضاها و ساختارهای ساخته شده با کلیه ویژگیهای مثبت و منفی
- ۲- مردم ساکن محلات یا همه‌الع‌ت‌ها و پیوندهای فرهنگی اجتماعی ضمن توجه به ناآشنائی‌هایی که با پدیده و نحوه مشارکت در تنظیم محیط زیستشان دارا هستند.

(۱) منظور از ارزشهای فرهنگی اصل مفاهیم در فرهنگ معماری شهرسازیست

۳- مقررات و مجموعه امکاناتی که سازنده یا باز دارنده در راه سرمایه‌گذاری از طرف بخش خصوصی و عمومی روی عرصه و انسان محله در جریاند البته باید توجه داشت که احیای یک محیط تنها با احیای کاربردهای شهری یعنی عوامل سرویس دهنده شهری مسر نیست، بلکه باید کیفیت رابطه این عوامل را با یکدیگر آنچنان بالا برد که رابطه ذهنی بین آنها و انسان و جامعه حفظ شود. یکی از اصولی که در برقراری این رابطه نقش اساسی دارد تاثیرات محیط بر انسان یعنی تصویری است که از محیط در ذهن انسان بوجود می‌آید (از راه احساس و یا تفکر) شتاب تحولات تکنولوژی با تغییر مداوم نحوه زندگی شهر را بصورت خود رو به ترتیبی که تا قبل از شروع تحولات صنعتی جریان داشت غیر ممکن می‌سازد و بنوعی هدایت آگاهانه نیازمند میکند. درگیری با این مهم بخاطر ابعاد گسترده‌اش نیازمند شناخت پدیده‌ها و نیروی فکری متخصص است. ضمن آنکه تفکر در راه برنامه ریزی هر قدر آگاهانه باشد، هنگامیکه در قالبهای از پیش ساخته شده و تخصصی متفاوت انجام شود بلحاظ عدم توجه و یا بهر بگوئیم عدم توانائی در شناخت تاثیر متقابل پدیده‌ها خلائی را بوجود می‌آورد که مقیاس انسانی را از دست میدهد. مسائلی از این دست که شاید بتوانید تحت عنوان ارزشهای کیفی شهر با طراحی محیط مطرح شوند از یکسو بخاطر ارتباط مستقیم با انسان و از سوی دیگر بدلیل هم بستگی با موقعیتهای شهری وابسته به معماری و شهر سازیست.

لذا با توجه به حصیص انسان در ارزیابی و ارزش گذاری بمدد ادراک ذهنی میتوان چنین نتیجه گرفت: شهری که از طریق فقط ارزشهای ویژه و ارائه عناصر شهری قابل درک، انسان را در برقراری رابطه با محیط باری دهد مطبوع و انسانی می‌نماید. فرنگیس رحیمیه